

# مردی با لبخند ناتمام

## مروری بر یکی از اتهامات جدید شهرام جزائری عرب و موانع موجود در رسیدگی به آن

### مهدی قربانی قلجلو

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی  
دانشگاه امام صادق (ع)  
ghorbaany@gmail.com



### مقدمه

در واپسین روزهای سال ۱۳۸۵، شهرام جزائری عرب، متهم اصلی یکی از مهمترین و بارزترین پرونده‌های مفاسد اقتصادی، که چندی پیش به گفته مسئولین ذریبط در قوه قضائیه و نیروی انتظامی از دست مأموران گریخته و با هویت جعلی و به صورت غیرقانونی از ایران خارج شده بود، توسط مأموران وزارت اطلاعات و با همکاری و هماهنگی قوه قضائیه و وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در یکی از روستاهای دورافتاده یکی از کشورهای حوزه خلیج فارس

### چکیده:

فرار زندانی از سیطره و چنگال عدالت، اعم از اینکه مربوط به متهمی که پرونده وی در حال رسیدگی در دادسرا یا دادگاه باشد یا محکوم علیهی که حکم قطعی علیه وی صادر شده و در حال تحمل کیفر حبس در زندان است، از دیرباز مورد توجه قرار گرفته و از جمله دغدغه‌ها و نگرانیهای قانونگذاران نظامهای کیفری کشورها را تشکیل داده و مورد جرم انگاری واقع شده است. اما این جرم انگاری در نظام کیفری ایران، دارای محدوده خاصی بوده است و کلیه انواع و اقسام فرارهای زندانی را شامل نمی‌شود. به بیان دقیق تر صرفاً و صراحتاً فرار زندانی از زندان یا بازداشتگاه، موضوع جرم انگاری در نظام کیفری ایران - چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی ایران - واقع شده است و فرار از سایر اماکن و محله‌ها یا فرار از دادگاه یا دادسرا یا اتومبیل یا حین انتقال زندانی از زندان به سایر محله‌ها و از دست مأموران انتظامی و مراقب، در محدوده توجه مقنن واقع نشده و مورد جرم انگاری قرار نگرفته است. لذا نظام کیفری ایران در حال حاضر از این جهت با خلأ قانونی مواجه است و برخورد قاطع قضائی با چنین فرارهایی با مانع جدی روبرو است. به همین لحاظ بعید به نظر نمی‌رسد که مجرمان حرفه‌ای با نگاه هوشمندانه خود از این خلأ قانونی سوء استفاده نموده و از آن به صورت مقتضی بهره مند گردند.

فرار شهرام جزائری متهم جنجالی‌ترین پرونده موسوم به مفاسد اقتصادی، به وصفی که مسئولان قضائی ذریبط از آن خبر داده اند از جمله همین فرارهاست و اصل قانونی بودن جرم و مجازات مانع تسری مقررات ماده ۵۴۷ قانون مجازات اسلامی به فرارهایی از این قبیل می‌گردد. مقاله حاضر به تبیین موضوع و موانع فرا راه برخورد با چنین فرارهایی می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: فرار زندانی از زندان یا بازداشتگاه، ماده ۵۴۷ قانون مجازات اسلامی، فرار شهرام جزائری عرب، مفاسد اقتصادی، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، خلأ قانونی

تسری ماده ۵۴۷  
قانون مجازات اسلامی  
به فرار از سایر محله‌ها  
و اماکن به جز زندان  
یا بازداشتگاه فاقد  
وجاهت قانونی است

گواه

دستگیر و به ایران منتقل گردید و بازداشت و انتقال وی به ایران در رسانه های ارتباط جمعی به طور گسترده ای انعکاس یافت و به تعبیر یکی از همین رسانه ها، لبخند معنا دار این مفسد اقتصادی و به تعبیر جرم شناسانه این بزهکار یقه سفید که با لبخندهایش در جریان دادرسی، حتی عدالت را نیز به سخره گرفته بود، ناتمام و نافرجام باقی ماند.

اما به دور از همه هیاهویی که اتهامات اولیه و اصلی وی و رسیدگی به آنها در کشور و در اذهان عمومی ایجاد نموده است و تحلیلها و نظرات مختلفی که در مجامع عمومی و دانشگاهی و فرهنگی، پیرامون نحوه رسیدگی و فراز و نشیب تعامل دستگاه قضائی کشور با پرونده های مفاسد اقتصادی و علی الخصوص پرونده نامبرده به عنوان یک پرونده شاخص وجود داشته و دارد، این سؤال در اذهان عمومی و بالاخص دانشجویان علاقه مند رشته حقوق مطرح می شود که اتهامات جدید منتسب به وی پس از گریختن از چنگ عدالت چه اتهاماتی است و متعاقب ارتکاب این جرائم چه مجازاتی در انتظار وی که در میانه جریان رسیدگی گریخته است، می باشد؟

هر چند در بادی امر به نظر می رسد موضوع بسیار ساده باشد. به این نحو که متهمی از دست مأموران گریخته و از کشور خارج شده است و پس از محاکمه، مجازات متناسبی بر وی اعمال می شود تا موجب عبرت سایرین گردیده و ایشان را متنبه سازد، اما با قدری تأمل و کنکاش و نکته سنجی معلوم می شود که نمی توان به همین سادگی از کنار موضوع گذشت و موانع و مشکلات قابل توجهی فرا راه دستگاه قضائی کشور و دادگاه رسیدگی کننده در برخورد با اتهامات جدید نامبرده و علی الخصوص راجع به اتهام فرار وجود خواهد داشت که این یادداشت پیرامون موانع موجود در راستای رسیدگی به اتهام فرار نامبرده به بحث و تحلیل می پردازد.

### تبیین حقوقی جرم فرار زندانی

در پاسخ به سؤال اخیرالذکر، سخنگوی قوه قضائیه در آخرین روز سال ۱۳۸۵ و در آخرین مصاحبه مطبوعاتی خود که خبر آن رسماً از رسانه ملی نیز پخش گردید، از تفهیم اتهامات جدید شهرام جزائری با عناوین فرار و خروج غیرقانونی از مرزهای کشور با هویت مجعول خبر داد.<sup>۱</sup>

در همین راستا، نگاهی ولو گذرا به عناوین فصلهای کتاب تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده قانون مجازات اسلامی نمایانگر این است که فصل هفتم کتاب مزبور از قانون یادشده با عنوان "فرار محبوسین و اخفای مقصرین"

نامیده شده و مواد ۵۴۷ تا ۵۵۴ قانون مذکور را به خود اختصاص داده است. نیز با اندکی دقت روشن می شود که تنها اولین ماده این فصل - ماده ۵۴۷ - ناظر به بزه فرار شخص زندانی است<sup>۲</sup> و سایر هفت ماده این فصل ناظر به عناوین مجرمانه مرتبط با عنوان فصل مذکور و سایر اشخاصی است که با برخی از مصادیق معاونت به نحوی در فرار دخیل می باشند که این مصادیق معاونت، عناوین جزائی مستقل و به خصوصی اعم از مسامحه و اهمال مأمور موظف به حفظ یا ملازمت یا مراقبت (موضوع ماده ۵۴۸ قانون مجازات اسلامی)، مساعدت در فرار یا تسهیل راه فرار یا هرگونه تبانی و مواضع برای فرار از سوی مأمور مذکور یا فراهم کردن موجبات فرار شخصی از سوی افراد غیر مأمور، اهمال و مسامحه - اعم از اینکه به قصد مساعدت منجر به فرار بوده یا نبوده باشد - مأموران و مستخدمان دولتی در انجام مأموریت دستگیری قانونی افراد، نوع خاصی از مساعدت در فرار از طریق در اختیار گذاشتن اسلحه به وی از سوی فرد مأمور یا غیرمأمور یا عناوین مجرمانه دیگری مثل اختفاء چنین شخصی و مساعدت در خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت از طریق تهیه منزل یا اختفاء ادله جرم یا ابراز ادله جعلی برای تبرئه مجرم و ... را به خود اختصاص داده است.

با ملاحظه ماده ۵۴۷ قانون مذکور به عنوان اولین ماده فصل هفتم کتاب تعزیرات نکات قابل توجه زیر به چشم می خورد:

اولاً عمل فرار جرم انگاری شده در فصل و ماده مزبور صرفاً ناظر به فرار زندانی است. یعنی شخصی که به دستور یا حکم مقام صالح قضائی در زندان یا بازداشتگاه به سر می برد که می تواند متهم یا محکوم علیه باشد.

ثانیاً فرار زندانی از زندان یا بازداشتگاه<sup>۳</sup> موضوع جرم انگاری واقع شده و وصف مجرمانه یافته است.<sup>۴</sup>

ثالثاً قانونگذار در تبصره ماده ۵۴۷ قانون مذکور، زندانی که مطابق آیین نامه زندانبها به مرخصی رفته و در موعد مقرر و بدون عذر موجه خود را معرفی ننموده نیز در حکم فراری محسوب نموده است.

لذا چنانچه موضوع فرار شهرام جزائری را همانطور تصور کنیم که مراجع ذیربط در قوه قضائیه و نیروی انتظامی متعاقب فرار وی به صورت رسمی اعلام نموده اند، یعنی فرار متهم هنگامی که به همراه مأموران انتظامی خارج از زندان اوین حضور داشته است، فرار نامبرده از زندان یا بازداشتگاه صورت نگرفته و با عنایت به صراحت نص قانونی مذکور در خصوص فرار از زندان یا بازداشتگاه، نمی تواند مصداق ماده

مذکور باشد و در مانحن فیه مورد استناد قرار گیرد.

مؤید این نظر آن است که عده های از نگارندگان و اساتید حقوق جزا نیز در شرح و توضیح مربوط به ماده یادشده عنوان نموده اند که فروضی مانند فرار افراد توقیف شده از سوی نیروهای انتظامی یا نظامی یا فرار متهم یا محکوم علیه از محیطها و اماکن خارج از زندان مثل دادگاه، دادرسی، اتومبیل و ... از شمول این ماده خارج است.<sup>۵</sup> همچنین در سالهای اخیر اداره کل حقوقی قوه قضائیه در خصوص مورد مشابه، اظهار نظری نموده است که مؤید دیگری بر عقیده فوق الذکر می باشد. نظریه یادشده به شرح زیر است:

" در صورتی که متهم از بازداشتگاه یا ندامتگاه تحویل مأمورین نیروی انتظامی شود تا جهت محاکمه به دادگاه بدرقه و اعزام شود و در بین راه از دست مأمورین مراقب متواری گردد با توجه به ماده ۵۴۷ قانون مجازات اسلامی و تبصره ذیل آن از مصادیق ماده یادشده خارج است."<sup>۶</sup>

اما شاید به نظر برخی چنین برسد که مصادیق مذکور در ماده یادشده قانون مجازات اسلامی، یعنی فرار از زندان یا بازداشتگاه حصری نبوده و بیان قانونگذار در این ماده و ذکر این دو مصداق خاص از باب تمثیل بوده است. فلذا می تواند فرار زندانی از سایر اماکن و محلها را نیز شامل شود<sup>۷</sup>. لکن نگارنده معتقد است هر چند قانونگذار در تمثیلی یا حصری بودن مصادیقی که در مواد مختلف قانونی مطرح نموده است از ملاک و معیار خاصی تبعیت ننموده و رویه واحدی را اتخاذ ننموده است لکن با عنایت به سیاق کلام قانونگذار در متن ماده و تبصره آن، عدم استفاده از هرگونه ادات تمثیلی و پیشینه جرم انگاری فرار زندانی در قوانین سابق علی الخصوص ماده ۱۱۷ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴<sup>۸</sup> و اشاره به واژه " محبس " در عبارت " فرار محبوس از محبس " در ماده اخیرالذکر که با اندک تغییراتی در عبارات آن، ابتدا در ماده ۳۷ قانون تعزیرات درج و سپس به عنوان متن ماده ۵۴۷ قانون مجازات اسلامی برگزیده شده است و نهایتاً با افزایش حداقل مجازات بزه فرار از یک ماه در ماده ۱۱۷ قانون سابق به سه ماه در قانون مجازات اسلامی و افزودن کیفر شلاق تا ۷۴ ضربه - به تصور موضوعیت داشتن مجازات شلاق در جرائم تعزیری - و جبران خسارت وارده در فرض ارتکاب فرار توأم با تخریب درب زندان، کیفر آن تشدید گردیده است. لذا با عنایت به فقدان حداقل دلیل یا قرینه ای که بتواند مؤید تمثیلی بودن این دو مصداق - زندان و بازداشتگاه - باشد، اعتقاد به نظر

با ماده ۵۴۷ قانون مجازات اسلامی فرار از محل های زندان یا بازداشتگاه جنبه حصری داشته و در نظر مقنن موضوعیت دارد



اخیر کاملاً دشوار به نظر می‌رسد و فرار از زندان و بازداشتگاه به نظر مقنن موضوعیت داشته و به طور حصری جرم انگاری شده است.

### نتیجه گیری

با عنایت به تحلیل فوق الذکر باید اذعان نمود که در خصوص فرار از سایر اماکن و ابنیه و محیط‌ها و ... در قوانین فعلی با سکوت مقنن و خلأ قانونی مواجه هستیم و تسری ماده مذکور به این قبیل فرارها و جاهت قانونی ندارد و طبق اصول ۳۶ و ۱۶۶ قانون اساسی<sup>۶</sup>، اصل قانونی بودن جرم و مجازات و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی<sup>۱۱</sup> مصوب ۱۳۷۰ و ماده ۲۱۴ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری<sup>۱۱</sup> مصوب ۱۳۷۸، فرار شهram جزائری به طریق موصوف نمی‌تواند واجد وصف مجرمانه باشد<sup>۱۲</sup>.

همچنین لازم به توضیح است که بحث از انواع تفسیر اعم از تفسیر به نفع متهم یا تفسیر مضیق و ... در مانحن فیه و ماده مذکور فاقد جایگاه است، چراکه بحث از تفسیر، هنگامی صحیح و واجد توجیه است که یکی از موارد اِبهام، اجمال، تعارض و ... در مواد قانونی موجود باشد<sup>۱۳</sup>. لکن صرف نظر از این موضوع و به فرض امکان ورود به عرصه تفسیر قانون، باز

هم توسعه محدوده جرم انگاری این ماده قانونی حتی به بهانه پوشش دادن خلأ قانونی و جلوگیری از مفزهای این چنینی برای متهمان نیز مخالف اصل تفسیر به نفع متهم و تفسیر مضیق قوانین کیفری می‌باشد و قابل قبول نخواهد بود.

حال با عنایت به نکته مورد اشاره توسط نگارنده در ابتدای این مقاله در خصوص وجود صرفاً یک ماده قانونی راجع به جرم انگاری فرار زندانی در قانون مجازات اسلامی و فصل یاد شده کتاب تعزیرات آن، این سؤال مهم مطرح می‌شود که با این وصف، اتهام فرار بر چه پایه و اساسی به شهram جزائری تفهیم گردیده است و کدام ماده از کدامین قانون، مستند قانونی اتهام وی قرار گرفته است؟

حتی چنانچه فرض کنیم که فرار به طریق دیگری انجام شده است که به صورت غیر رسمی نیز از برخی مراجع ذیربط نقل گردیده و نامبرده در مرخصی به سر می‌برده و خود را در موعد مقرر معرفی ننموده است، باز هم توجه به مسائلی مانند لزوم قانونی بودن مرخصی اعطاء شده به متهم، عدم معرفی در موعد مقرر و فقدان عذر موجه در این عدم معرفی و احراز آنها در تحلیل موضوع لازم و ضروری است که تحلیل و تبیین آن می‌تواند موضوع یادداشت یا مقاله جداگانه‌ای باشد.

هرچند شاید افکار عمومی نیز این عقیده نگارنده - به شرح مذکور در این مقاله - که فرار متهمانی همچون شهram جزائری را نمی‌توان با قوانین و مقررات فعلی تعقیب و کیفر نمود را پذیرا نباشد و انتظار عمومی خلاف این عقیده را مطالبه نماید و این مقوله نیز در کنار مسائل ظریف و دقیق حقوقی از موانع و دشواریهای رسیدگی به اتهام نامبرده محسوب شود لکن به هر حال علیرغم این نظر و تحلیل، ظاهراً اتهام فرار از سوی مرجع قضایی ذیربط نیز به شهram جزائری تفهیم شده است، لذا تنها انتظار برای رسیدگی به اتهامات جدید وی علی‌الخصوص اتهام اخیرالذکر در دستگاه قضائی است که می‌تواند نشانگر تفسیر قضائی، نوع برداشت و طرز تلقی دادرها و محاکم از ماده مذکور و برخورد با چنین فرارهایی از سوی زندانیان باشد.

### پانویست‌ها:

- ۱ - به نقل از خبر سراسری شبکه اول سیما مورخ ۸۵/۱۲/۲۹.
- ۲ - ماده ۵۴۷ قانون مجازات اسلامی: هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید به شلاق تا ۷۴ ضربه یا سه تا شش ماه حبس محکوم می‌شود و اگر برای فرار درب زندان را

با توجه به فرار جزائری از نزد ماموران انتظامی در محلی غیر از زندان یا بازداشتگاه و عدم شمول ماده ۵۴۷ قانون مجازات اسلامی بر این نوع فرار، اتهام یاد شده براساس کدام مستند قانونی به وی تفهیم شده است؟



گواه



احکام دادگاهها باید مستند و مستدل به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.

۱۰ - ماده ۲ قانون مجازات اسلامی: هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود.  
۱۱ - ماده ۲۱۴ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری: رأی دادگاه باید مستدل و موجه بوده و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن صادر شده است. دادگاه مکلف است حکم هر قضیه را در قوانین مدون بیابد ...

۱۲ - شاید با اعتقاد به فقدان وصف جزائی برای فرار شهرام جزائری بنا عنایت به موارد مشروحه، این مطلب را که وی با آگاهی از قوانین و علم به خلأهای

قانونی و برنامه ریزی برای استفاده از این خلأها، هوشمندانه اقدام به اعمال خود می‌نموده است، تقویت نماید. به خصوص که پس از بیش از ۵ سال رسیدگی به اتهامات نامبرده، نهایتاً پس از تغییر عنوان اتهامی وی در جریان رسیدگی انجام شده - پس از نقض حکم در دیوان عالی کشور - از اخلال در نظام اقتصادی کشور به تحصیل مال به طریق نامشروع، مستند اصلی محکومیت وی در وصف جزائی اعمال ارتكابی توسط او نیز که در حکم اخیر صادره - دادنامه شماره ۳۰ مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۷ شعبه ۱۱۹۲ مجتمع قضایی ویژه امور اقتصادی - مورد اشاره قرار گرفته است، ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۴۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام مبنی بر تحصیل مال به طریق نامشروع - و نه عناوین جزائی دیگر مانند اخلال در نظام اقتصادی یا ... - اعلام گردید که مؤید این مطلب است و روشن است که این نحو اقدامات و عملیات، از مشخصه های بزهکاری یقه سفید در نگاه جرم شناسانه به موضوع می‌باشد.

۱۳ - توجهی، دکتر عبدالعلی، تقریرات حقوق جزای اختصاصی ۵، مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق(ع)، نیمسال اول سال تحصیلی ۸۶-۸۵.

۱۳۷۷، صفحه ۲۱۰ و رضا شکری و قادر سیروس، قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی ایران، نشر مهاجر، چاپ چهارم، ۱۳۸۴، ذیل ماده ۵۴۷ قانون مجازات اسلامی، صفحه ۵۲۳ و ۵۲۴.

۶ - نظریه مشورتی شماره ۷/۵۷۱۷ مورخ ۱۳۸۰/۹/۳ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه به نقل از مجموعه قانون مجازات اسلامی، اداره کل تدوین و تئوچ قوانین و مقررات معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، چاپ ششم (ویرایش پنجم)، ۱۳۸۴، صفحه ۳۷۳.

۷ - ظاهراً محدود نویسندگانی نیز وجود دارند که معتقدند ماده ۵۴۷ قانون مجازات اسلامی فرار زندانی از محلهای دیگری غیر از زندان و بازداشتگاه که صراحتاً در متن ماده مذکور مورد اشاره قرار گرفته است مانند فرار از دادگاه و دادرسی یا فرار از دست مأموران نظامی مراقب در خارج از زندان یا بازداشتگاه و ... را نیز شامل می‌شود. از آن جمله اشاره می‌شود به نظر آقای هوشنگ شامبیاتی در کتاب حقوق کیفری اختصاصی، جلد سوم، جرایم برضد مصالح عمومی کشور، نشر ژوبین، چاپ سوم، ۱۳۸۰، صفحه ۳۶۸ الی ۳۷۰.

۸ - ماده ۱۱۷ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴: "محبوسی که از محبس فرار نموده برای همین اقدام از یک الی شش ماه محکوم به حبس خواهد بود و اگر برای فرار درب محبس را شکسته یا محبس را خراب کرده یا اعمال قوه نموده ضعف مجازات درباره او مجری خواهد شد."

۹ - اصل سی و ششم قانون اساسی: حکم به مجازات و اجرای آنها باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل یکصد و شصت و ششم قانون اساسی:

شکسته یا آنرا خراب کرده باشد، علاوه بر تأمین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره: زندانیانی که مطابق آیین نامه زندانها به مرخصی رفته و خود را در موعد مقرر بدون عذر موجه معرفی نمایند فراری محسوب و به مجازات فوق محکوم می‌گردند.

۳ - بازداشتگاه همان معنایی را دارد که در پانویس بعدی به آن اشاره می‌شود و شامل محلهای دیگری که اصطلاحاً بازداشتگاه نامیده شده از قبیل بازداشتگاههای نیروی انتظامی و سایر مراجع و ضابطان دادگستری نمی‌شود. اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۵۰۹۷ مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۹ به همین موضوع اشاره نموده است: "فرار متهم از بازداشتگاه پاسگاه انتظامی مشمول ماده ۵۴۷ قانون مجازات اسلامی نیست."

۴ - اداره کل حقوقی قوه قضائیه در قسمتی از نظریه مشورتی شماره ۷/۲۳۴۵ مورخ ۱۳۸۱/۸/۷۳ آورده است: "با عنایت به آیین نامه قانونی و مقررات اجرائی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب رئیس قوه قضائیه، زندان محلی است که در آن متهمان و محکومان با قرار یا حکم قطعی مقام قضایی موقتاً یا برای مدت معین یا به طور دائم به منظور اصلاح و تربیت و درمان نارساییها و بیماری های اجتماعی و تحمل کیفر نگهداری می‌شوند و با عنایت به ماده ۱۴ آیین نامه مذکور، بازداشتگاه محل نگهداری متهمان است که تحت تعقیب بوده و طبق حکم غیرقطعی یا قرار کتبی مقامات صلاحیت دار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی در آن محل بازداشت می‌شوند ..."

۵ - زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، تعزیرات، ج ۲، نشر فیض، چاپ دوم،

